

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

«فبشر عباد، الذين يستمعون القول
فيتبعون احسنه، اولئك الذين
هداهم الله واولئك هم اولوا
الالباب» (قرآن کریم - سوره زمر)

نه شرق و نه غرب

بلکه اسلام

همکاری شرق و غرب

چندی قبل در شماره ۱۳۱۹ - ۲۸ با نامه روزنامه اطلاعات ، با خط درشت نوشته بود : دوران تازه همکاری شرق و غرب .

این جمله در عین حال که جالب بود ، بسیار شگفت آمیز و امید بخش بنظر میرسید .

شگفت آهیز بود ، برای اینکه میان دو بلوک شرق و غرب که در دو جبهه مقابل قرار گرفته و از هر جهت بایکدیگر اختلاف نظر دارند انتظار نمیرفت که روح همکاری و وحدت ظاهر حاصل شود . زیرا بهمان اندازه ای که میان شرق و غرب فاصله ارضی و جغرافیائی بوده و باهم اختلاف در جهت دارند ، به مراتب بیشتر ، بلوک شرق و غرب هم از یکدیگر دور بوده و دارای اختلاف در مسلک و مرام و نظر و سیاست میباشند که پیوسته آن دورا در برابرهم قرار داده و بکار - شکنی از یکدیگر واداشته است .

بلوک غرب که در رأس آنها امریکا قرار گرفته ، دارای مسلک اشرافی و سرمایه داری بوده ؛ سرزمین لردها و آقامنشها میباشد ، ولی بلوک شرق که پیشرو آنها شوروی میباشد دارای رژیم خشک کارگری و کمونیستی بوده و سرزمین رنجبران و زحمتکشان بشمار میآید .

بدیهی است که این اختلاف مسلک و نظر و تضاد عقیده و روشی که در میان آنها وجود دارد ، با حس خودخواهی و جاه طلبی آنها ضمیمه شده و هیچگاه نمیکند که آن دو بایکدیگر نزدیک شده و با هم همکاری نمایند .

اما آن جمله ، امیدبخش بود ؛ برای اینکه اگر واقعاً روزی برسد که این جمله حقیقت پیدا کرده و این رؤیا صورت تحقق بخود بگیرد ، این اختلافات و دوریها از میان جوامع بشری برداشته شده و روی میزان خرد و تفکر صحیح ، با هم همکاری کنند ، آنگاه است که همای سعادت و فرشته اقبال بر سر آنها سایه انداخته و آن آرزوی دیرین و حقیقی بشر برآورده شده به هدف اعلای آفرینش خود رسیده است .

آنگاه است که همه این نیروهای عظیم و سرمایه های هنگفت که فعلاً صرف فراهم آوردن سلاحهای اتمی و ویدرژنی شده و در راه تخریب و کشتار و نابود کردن یکدیگر به در میروند ، روی هم جمع شده و در راه پیشرفت دانش و تحصیل آسایش و سیر بسوی کمال جامعه بشری صرف خواهد شد .

ولی ! ولی متأسفانه همانطور که گمان میرفت ، این جمله همکاری شرق و غرب ، حقیقتی نداشته و صورتی بیش نبود ، اگر شرح مندرج در آن مقاله را با دقت مطالعه کنی بیشتر از این بدست نمیآید که روی وضع آشوب زده کنونی چین کمونیست که شرق و غرب را نگران ساخته است و در اثر جنگ خونین و طولانی ویتنام که جهنمی سوزان فراهم آورده و دنیا را خسته نموده و بیم آن میرود که منجر بجنک جهانی شود ، میان سران طرفین «شرق و غرب» سخنانی ردو بدل شده و پیشنهادات معامله و سازشی بیکدیگر نموده اند ، ولی فقط بمنظور اینکه دشمن مشترک را از پای در آورده و رفع خطر آن را بنمایند .

بدیهی است که اینگونه همکاری موقت و مصنوعی و این اندازه نزدیکی و

سازش که بر اساس هماهنگی در عقیده و مرام نبوده و بر پایه علاقه و محبت و ایمان استوار نباشد، از مرحله گفتن و نوشتن تجاوز ننموده و هیچگاه بس منزل عمل نخواهد رسید. و اگر هم احیاناً چندی دست از مخالفت و ستیز کشیده و در دایره محدود و موارد مشخصی بایکدیگر همکاری کنند دردی از بشر دواننده و نفعی بحال او نمی بخشد.

جمله ای جالبتر !!

جمله گذشته جالب و فریبنده بود؛ ولی از آن جالبتر و امید بخش تر جمله ای دیگر بود که در شماره ۱۳۱۳۴-۱۴-آ بانام روز نامه اطلاعات پنجم میخورد. در صفحه آخر آن نوشته بود: **ایران میان شرق و غرب.**

اینجمله برای مردمی که قرنها دستخوش سیاست متضاد و بلوک شرق و غرب بوده و مانند لحاف ملا نصرالدین مورد کشمکش این و آن بوده اند، همه منافع و منافع آنان مورد استفاده دیگران قرار گرفته و اختیار همه چیزشان را از کفشان ربوده اند، آزادی و استقلال سیاسی و اقتصادی، بلکه اخلاقی و مذهبی نداشته و تمام شئون مادی و معنوی ایشان را بیگانگان یعنی همان بلوک شرق و غرب در تحت سلطه و نفوذ خود در آورده اند و...

آری! برای چنین مردم رنج دیده ای مشاهده این جمله: **وایران در میان شرق و غرب**، بسیار جالب و امید بخش میباشد. زیرا این مطلب را از اجداد و پدران خود شنیده و شاید بچشم خود هم دیده باشند که آن روزهای کم و بیش آزادی در زندگی و آسایش نسبی برای آنان فراهم آمده است که آن دو بلوک شرق و غرب در برابر یکدیگر ایستاده و بجان هم افتاده و بخود مشغول شده اند. چنین روزهایی بوده است که آب خوشی از گلوی مردم ایران پایین رفته و نفس راحتی کشیده اند، اینک نیز وقتی میخواند یامی شنود، ایران در میان شرق و غرب قرار گرفته، امیدوار میشود که شاید سران و رهبران اجتماعی بخود آمده و از تجربه های تلخ گذشته عبرت گرفته و تشخیص داده باشند که مصالح و منافع و حیات و سعادت این کشور و این ملت آنکاه تأمین میشود که از تمایل به شرق و غرب خودداری نموده و در عین اینکه استفاده های علمی و صنعتی، تجارتی و اقتصادی خود را از آنها ببرند

شخصیت اجتماعی و استقلال ملی خود را حفظ نموده و به سرپای خود بایستند .
 خصوصاً وقتی ببینند در ذیل آن جمله ، چنین نوشته :
 «... خبرنگار سیاسی (یونایتد پرس) که اخیراً از ایران دیدن کرده و با
 مقامات ایرانی و دیپلماتهای غربی مذاکره نموده است گزارش میدهد : ایران ،
 کشوری که صحنهٔ اولین جنگ سرد شرق و غرب بعد از جنگ جهانی دوم و
 پیروزی غرب در این جنگ بوده ، تصمیم گرفته است که در مقابل بلوکه‌های بزرگ
 جهان ؛ از یک سیاست مستقل ملی پیروی کند .
 این کشور در حالیکه شیوهٔ قدیمی تمایل بفریب خود را حفظ کرده درهای خود
 را بروی همکاری نزدیکتر با روسیه و کشورهای اروپای شرقی گشوده تا بهتر
 بتواند منافع ملی خود را حفظ کند» .

غرب زدگی !

مادر این باره از نظر سیاست بحثی نمیکنیم و آنرا بسیاسمه داران و امیکذاریم ،
 ولی از یادآوری حقیقت ناخ ناگزیریم و آن اینکه : بعد از جنگ جهانی دوم
 که در دنیا جنب و جوشی پیدا شده و همهٔ جوامع عقب مانده بشکاپوی در راه استقلال
 ملی و رفع احتیاجات خود برآمدند ، کشور ایران در عین حال که خواسته است
 زندگی خود را با کشورهای با اصطلاح متمدن جهان هم آهنگ سازد ، آنطوری که
 باید پیشرفتی نموده است .
 با داشتن سرمایه‌های کافی و منابع حیاتی و استعداد های قابل ، از آنها
 استفاده ای نموده و چشم بدست دیگران دوخته و احیاناً خود را بدامان این و آن
 انداخته است .
 از مظاهر تمدن و آثار پیشرفت ، بیشتر به ظواهر فریبنده و صورت های بیهوده
 پرداخته و از حقایق و معنویات بهره ای نگرفته است در فراهم آوردن و رفتن به سینماها
 و تماشاخانه و کلوب ها و پارتی ها و مجالس شهوت انگیز پیش رفته ، ولی در تأسیس
 کتابخانه ها و رفتن به قرائتخانه ها و بهره گیری از دانش و کمال پیشرفتی ننموده
 است .

در مقام تشکیل زندگی لوکس و مدردن برآمده و از هر جهت با اصطلاح :

فرنگی مآب و اروپائی منش شده ولی هنوز بآن کارگاههای صنعتی و کارخانههای تولیدی آنان بدیده خسرت نگر بسته و دست حاجت بطرف آنان دراز میکند . مواد خام اولیه و منابع سرشار زیرزمینی خود را ببهای ناچیز در اختیار دیگران میگذارد و همانها را بصورت لوازم زندگی بقیمتهای گزافی خریداری میکند .

بالاتر از اینها سنن ملی و آداب و رسوم مذهبی خود را که مورد غبطه دیگران بوده و دانشمندان جهان بدیده احترام به آنها نگر بسته و از آنها تحسین میکنند ، روی نادانی و شهوترانی و تقلید غلط و ناروا از دست داده پیروی از این و آن مینماید .

این صفات و مشاهدات است که کشور ایران را بنظر آن مخبر سیاسی «اولین صحنه جنگ سرد شرق و غرب و پیروزی غرب در این جنگ» جلوه میدهد و آنگونه معرفی میکنند و این مشاهدات و مانند آنهاست که سبب میشود این حقیقت تلخ بر سر زبانها و نوک قلمها جاری شود که ایران را غرب زده بخوانند و آن را مسحور غرب بشمارند .

استقلال ملی !

ما میگوئیم پس از گذشتن سالها و چشیدن تلخیها و ناگواریها ، اینک که سخن از استقلال ملی و قرار گرفتن ایران در میان شرق و غرب ، بمیان آمده است خوب است قدری عمیق تر اندیشیده و دقیق تر فکر کنند . هر فراعالمیتر قرار داده و نظر را دور اندیش تر بکار اندازند .

اگر راست است و بناشد ایران دارای استقلال ملی باشد ، این اصل منحصر بجنبه اقتصادی نبوده و محدود در این نشود که بگویند : هر کشوری که جنس ارزاتر و مرغوب تر بما بفروشد ما خریداریم و یا هر کمپانی که منافع ما را گرانتر و بهتر بخرد ، ما با او میفروشیم .

این فکر از نظر اقتصادی بسیار با ارزش و قابل تحسین است ولی آنگاه کامل شده و نفعی می بخشد که توسعه یافته و در تمام شئون زندگی اجتماعی اجراء شود و چنانچه گفتیم ، قدری عمیق تر فکر کرده و دور اندیش تر بشویم . ما باید این حقیقت را درك کرده و باور کنیم که استقلال ملی و اقتصادی و صنعتی

وسایسی کامل آنگاه برای ما فراهم میشود که استقلال مرامی و مسلکی ، اعتقادی و ایمانی داشته باشیم .

تمدن حقیقی و پیشرفت در زندگی وقتی نصیب ما میشود که برهبنای ایمان محکم استوار آمده و بر پشتوانه‌ای از عقیده و مذهب قرار گیرد .

آنهم دین و مذهبی ما اند دین مقدس اسلام که بر اساس توحید و حق پرستی ، عدالت گستری ، راستی و درستی و همکاری و همفکری پی ریزی شده است .

نه تنها اثر دین و مذهب این است که انسان در گفتار خود به مقدساتی اظهار علاقه و عقیده نموده و احیاناً بر نامه ای خشک بنام عبادت در مواقع مخصوصه انجام دهد .

بلکه عقیده را سخ و ایمان محکم بخدا و روزپاداش و بر نامه دینی در اصلاح تمام شئون زندگی آدمی اثر بخشیده و نیرومندترین پشتوانه اجراء قوانین و دستورات زندگی میباشد .

مارا دور نمیرویم ، شما ملاحظه بفرمائید که در اجراء همین مقررات کشوری و قوانین جاریه مانند سرشماری عمومی (موضوع روز) هم وقتی مراجعه بگزارش های وارده مینمائیم می بینیم ده نشینان از شهرها و جنوب تهرانها از شمالها ، غیر متمدنها از متمدنها و اروپا ندیده ها از اروپا رفته ها ، بهتر باین ندانسانخ داده و با ما مورین همکاری کرده اند ، زیرا در مکتب آنها دروغ و خلاف روانیست و تعلیمات آنها بر اساس تعاون و اخوت قرار گرفته است .

اسلام و شرق و غرب

کوتاه سخن و نتیجه بحث اینکه : اسلام این دین مقدس الهی ؛ بزرگترین عامل استقلال و نیرومندترین وسیله آزادی و آزادیگی میباشد و در برنامه جامع و وسیع خود تمام شئون زندگی بشر را در نظر گرفته و خواسته است از هر جهت آنها را استقلال بخشیده شخصیت دهد .

همه مرزها و امتیازات نژادی و طایفگی و ارضی را از میان برداشته همه را بندگان خدای یگانه شناخته و بپرستش و کمک خواستن از او دعوت نموده است تمام افراد بشر را بسوی اخوت و عدالت و نیکی و پاکی خوانده و از دشمنی و

بیدادگری و بدی و ناپاکی بازداشته است .

بنابراین آن روزی همکاری و هماهنگی کامل در میان جوامع بشری حکمفرما میشود که مرز شرقی و غربی از میان برداشته شده و اختلاف نژادی و مسلکی از بین برود ، همه جامعه بشر رو بسوی خداوند مشرق و مغرب و آفریدگار زمین و آسمان آورده و بدین حق او، دین اسلام، بگردند ، تا براه راست سعادت و زندگی هدایت شوند .

«قل الله المشرق والمغرب یهدی من یشاء الی صراط مستقیم ، یعنی بگو : برای خداوند است شرق و غرب جهان هر که را بخواهد (شایستگی داشته باشد) براه راست رهنمون میگردد . (قرآن کریم - سوره بقره)

«لیس البران تولو او جوهکم قبل المشرق والمغرب ، ولكن البر من آمن بالله والیوم الاخر والکتاب والملائکة والنبيين واقام الصلوة و آتی الزکوة و .. (سوره بقره - آیه ۱۷۰) .

نیکی (و سعادت مندی) در این نیست که شماروی بمشرق یا بمغرب بگردانید بلکه نیکی کامل در ایمان بخدا و روزه جزا و گرویدن بکتاب خدا «بر نامه دینی» و فرشتگان « ما مورین و کارگزاران سازمان آفرینش » و پیمبران خدا « کارشناسان دستگاه قانونگزاری و پرستش خداوند » میباشد .

گرچه این آیه شریفه را بمناسبت شأن نزول آن به گفتگو و خوض در بحث پیرامون تغییر قبله تفسیر نموده اند ؛ ولی هر گاه آنرا بمعنای وسیعتری حمل کنیم مانعی ندارد . بنظر ما قرآن کریم این کتاب جاوید و همیشگی که برای سعادت همه ام و در همه اعصار نازل گردیده ، گوئی در این آیه شریفه نظر بحال جوامع بشری امروزه نموده و آنها را در نژاد پرستی و ملوک الطوائفی و تشکیل بلوک شرق و غرب نکوهش نموده و رسماً بآنان اعلام میدارد که : نیکبختی و آزادگی ؛ و آسایش و کامیابی شما در این نیست که به شرق و غرب روی آورده بر است و چپ متمایل شوید ، بلکه تمام کمال و بزرگواری شما در این است که ایمان بخدای یگانه، آفریدگار مشرق و مغرب آورده و

روز پاداش و مکافات اعمال را در نظر بگیرید از نیروهای غیبی و کار گزاران جهان آفرینش مدد گرفته و کتاب های دینی و برنامه های تربیتی پیمبران خدا خصوصاً قرآن کریم ، آخرین برنامه سعادت و هدایت و کاملترین نقشه و طرح سلامت و بهبود زندگی انسانهارا که بر خاتم پیمبران و برتر برگزیدگان خدا پیغمبر بزرگوار اسلام نازل گردیده بکار بندید؛ مقررات آنرا اجرا نموده و از آن سر باز نزنید، اخلاق فاضله خدائی و صفات عالیه انسانی را بخود گرفته و راستی و درستی و پرهیزکاری را پیشه خود نمائید.

آری! روز سعادت و موفقیت بشر؛ آن روزی است که مقررات دین اسلام این برنامه خدائی بطور کامل اجرا شود و این روز همان روزی است که همه جوامع بشری خصوصاً مسلمانان انتظار آن روز را میبرند.

این روز همان روزیست که پیغمبر اسلام فرموده: اگر از مردم نیایک روز بیش باقی نماند خداوند آن روز را طولانی قرار دهد تا با ظهرورمهیدی موعود و ولی عصر، حجة بن الحسن العسکری امام دوازدهم شیعیان (ع) هم روی زمین (شرق و غرب جهان) را عدل و داد فرا گیرد پس از آنکه از ستم و بیادگری پر شده باشد. اللهم عجل فرجه الشریف و ادركه بنا یا امه

ابوالعالم دشتستانی

کتابخانه مسجد اعظم